

## آیا انتشار آیندگان باید ادامه یابد؟

آیندگان پنجشنبه بیستم اردیبهشت برای ما موقعیتی بیش از حد غیرمنتظره بود. نوهی درخیز گفتمانی امام خمینی با ریکورلو، مفسر معتبر روزنامه فرانسوی لوموند، ماهی پنجشنبه در تهران منتشر شد. چیزی که در هنگام تنظیم خبر مطلقاً به ذهن ما نمی رسید.

صبح پنجشنبه، دفتر امام اطلاعاتی در باره آیندگان صادر کرد که ما را به شدت متعجب ساخت.

واکنش گروه هائی از مردم ما را به این نتیجه رساند که انتشار روزنامه را باید تا اطلاع بعدی معوق بگذاریم.

«اجرای آیندگان» پرس چیست و از کجا آغاز شد، و چرا این روزنامه در مظان اتهامی اتهام قرار گرفت.

در کربودان حرکت انقلابی مردم، ما انعکاس رویدادها و اخبار جامعه را بر دیندار کردن و بازگویی مسایل درونی روزنامه مقدمه انداخته ایم. اما در شرایط کنونی ناگزیریم به موقعیت این روزنامه در ارتباط با اوضاع کلی مملکت اشاره ای بکنیم - امید که برای رفع هراسهای موثر افتد. مدیریت روزنامه آیندگان تا ۲ سال پیش با داریوش همایون بود. وی پس از گرفتن مشاغل دولتی و حزبی روزنامه را موقتاً رها کرد.

پس از وی کار آمدن دولت شریفی امامی، آوج گرفتن جنبش انقلابی مردم و برقراری حکومت نظامی، آیندگان در اعتراض به حضور مأموران نظامی در روزنامه‌ها، همراه با کیهان، اطلاعات و پیام امروز دست به اعتصاب زد. در پی پیروزی اعتصاب، آیندگان مبارزه برای برانداختن سانسور داخلی را آغاز کرد.

در این زمان، گروهی از همکاران این روزنامه که در احوال زجران عصر پهلوی قلم را نرفته بودند، بعضی از آنها به زدن افتاد و ممنوع القلم شده بودند، مبارزه با سانسور داخلی را هدایت کردند، و از پشتیبانی یکبارچه کارگران و کارکنان روزنامه که به نقش موثر خود در انقلاب آگاهی داشتند، برخوردار شدند.

در این جریان، سردبیر وقت و چند تن هوادارانش، در برابر این اقدام ضد سانسور مقاومت کردند، اما اعتصابگران حضور او را تحمل نکردند و به او هشدار دادند که از حضور و دخالت در کار روزنامه خودداری کند - که شرح آن در روزنامه کیهان روز بعد منعکس شد.

اعتصاب ما که زائیده و پشتیبان جنبش انقلابی بود - بیرون شد و شورائی از منتخبان هیئت تحریریه، امور سردبیری را بعهده گرفت. پس از چند روز، دولت نظامی از هاری روی کار آمد و حاکمیت خود را با حمله سحرگرمی به روزنامه آیندگان و توقیف نسخه های چاپ شده اعلام کرد. همزمان با آن، در هجوم شبانه ایادی حکومت نظامی به خانه های

گروهی از روزنامه نگاران - موفق به دستگیری یکی از اعضای شورای سردبیری آیندگان نشدند. در پی آن، مطبوعات، اعتصاب تاریخی ۶۲ روزه شان را، به رهبری سربندی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، علیه رژیم آغاز کردند، و از حمایت وسیع آزادیخواهان و طرفداران آزادی بیان برخوردار شدند.

باروی کار آمدن دولت بختیار، آیندگان سیاست انقلابی و مشی آزادیخواهانه خود را با شدت هرچه تواتر دنبال کرد، و متعکس کننده ی خواست های گروه های مختلف مردم انقلابی شد. سیاست روزنامه، بختیار و حاکمان نظامی را چنان برآشت که دو تن از اعضای شورای سردبیری به زندان افتادند. در همان هنگام (طبق مدارکی که پس از سرنگونی یاقیماندهی رژیم شایبه است) تمام سه تن از اعضای شورای سردبیری آیندگان در لیست ترور بود.

هدف از پذیرفتن این همه خطر چه بود؟ انتشار روزنامه های آزاد که به هیچ دسته سیاسی و گروه تئوفونی وابستگی نداشته باشد، و در راه مبارزه با ارتجاع، امپریالیسم ژورگونی و خفقان بکوشد. آیندگان در آن شرایط دشوار، این وظیفه را تا حد امکان انجام داد و با پیروزی انقلاب دوران ساز ملت ایران، خود را به ادامه مشی انقلابی و پیشرو، متعهدتر احساس کرد.

کسانی که اینگونه فاشگویی و انعکاس واقعیت را با منافع تکسنتران و شخصی خود این تضاد می دیدند برآشتند و اتهام های گوناگون بر آیندگان باریدند. برآشتگی ها، در اشکال متنوعی نمودار می شد: با تهدید کردن نویسندگان به ترور و آتش سوزی وانفجار، هدایت تظاهرات کسانی که حقا روزنامه را تهیه بودند و در همان حال اصرار داشتند که «آیندگان

موضوعات از مشخص کند، جلوگیری از توزیع روزنامه در برخی نقاط تهران و شهر هائی - از جمله قم - که همچنان ادامه دارد. اعلامیه های فراوانی علیه آیندگان و مشی «کمونیستی»، «صهیونیستی»، «طاغوتی» و «دستفشاندهی رژیم سابق»، «امپریالیستی» و «مناقض» پراکنده می شد که میچیز از آنها اعضای مشخص و ناموشانی نداشت، اما یک خواست در همه آنها مشترک بود: انحصاری کردن روزنامه و دستکشیدن از مشی مستقل، که امکانی برای همه کسانی بود که به ادامه انقلاب و رهائی کامل ملت از قیدهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم و دستفشانگان می انباشند.

مخالقان آیندگان - که به نظر می رسد با عوامل ارتجاعی پنهان شده در پشت صحنه قدرت بی ارتباط نباشند - برای توقف انتشار آیندگان به هر بهانه ای آمیخته اند: از موضوعی وقت بی زمین چاپخانه گرفته تا مسئله امتیاز روزنامه. و در نظر نمی گیرند روزنامه ای که علیه بنیادگذارانش قیام کرده است نمی تواند مسئول کردار و نوشته و روابط رانده شدگان و مسائل حقوقی باشد. ما در همان حال که به حرف مخالفان روزنامه توجه نشان می دادیم و قطعنامه هایمان را چاپ

می کردیم تا روشن سازیم که چه اندازه می طرفیم، همواره تاکید می کردیم که کار ما روزنامه نویسی است، و تا زمانی که دستی، قلمی، کاغذی و چاپخانه ای فراهم باشد، وظیفه مان را در برابر ملت انجام خواهیم داد.

در جریان برخورد ما، دریافتیم که اشخاصی رویای تصرف روزنامه آیندگان را می بینند، و با انواع تحریک ها و تفرقه افکنی ما سعی کوشند در موسسه آیندگان نفوذ کنند. اعتراض های گوناگون به آیندگان، سازمان یافته و همه جانبه است. بیش از ظهر پنجشنبه - در اصفهان مانع تحول حرفه نسخه های آیندگان از سرودگاه شده اند. در شیراز گروهی مسلح بقدر نمایندگان آیندگان اشغال کردند. در بوشهر دفتر روزنامه را آتش زدند. به مشهد - به دفتر آیندگان هجوم بردند. در زوق، اسامی کسانی که آیندگان می خریدند با دانش می شود. در اهواز، در بخش روزنامه اخلاص می کنند. در تبریز، تظاهراتی در برابر دفتر آیندگان برپا شده و از شهرهای دیگر هم خبر تهدید و ارباب خبرنگاران، نمایندگان و همکاران آیندگان می رسد.

همه ما سازان از ما خواسته بودند که موضعی را روشن کنیم - هرکس که دستکم تکلیفی به یک شماره روزنامه کرده باشد، به روشنی می بیند که آیندگان تربیتی برای بیان عقاید و افکار و انعکاس رویداد های ایران و جهان است. ما حزبی سیاسی نیستیم که بتوانیم رهنمود بدیم، و صلاحیت این کار را نیز برای خود قائل نیستیم. ما خود را موظف و مسئول بی دینیم که در جهت اسلام انقلابی، که چنین نهضتی در قالب آن تجلی کرد، بی هیچ بردمبوشی و مجامله و سانسور، جریان زندگی را کوچک و خیابان و شهر و ده مملکت را در روزنامه مسان منعکس کنیم. خوشبختانه یا ناخوشبختانه انقلاب گفته ما و نوشته ما، به دیدگاه و عقاید شخص خواننده بستگی ندارد. مبارزه با حواصت «ناخوشایند» یا اصلاح تقایص جامعه - به اتحاد و حرکت سیاسی همه مردم نیازمند است. شکستن بندهای سانسور اخبار، راه بهبود نیست. وظیفه قانونی و شرعی و اخلاقی و اجتماعی روزنامه نویسی است که مردم را در جریان مسایل بگذارد - نه آن که رویا های شیرین را به عنوان خبر «ارشاد» تحول بدهد تا کسی نوع و شدت بیماری های احتمالی جامعه را دریابد.

مقاسفانه به تجربه دریافتیم که علت اصلی بسیاری از حمله هائی که به آیندگان می شود، همین مشی مردمی، آزادیخواهانه و پیشروان است. کسانی که ما پیشنهاد می کنند که روزنامه را به بیان و تبلیغ مرام و عقیده ی خاص و معینی اختصاص بدیم تا «مردم تکلیفشان را بدانند»، و ما پاسخ داده ایم که روزنامه ها و نشریه های گوناگونی عقاید نویسندگانشان را تبلیغ می کنند. آنچه برای ما دستور العمل آیندگان است، انعکاس دقیق خبرها و رویداد های مملکت است، نه جانبداری و تبلیغ سراسری. اگر انعکاس و نقل خبر را جهت گیری بدانند، مشکل در نوع دریافت است، نه در عمل ما.

چیزی که واکنش تند دفتر امام را بدنبال داشت (و بهانه ای برای اشغالگران و مهاجمان شد) عنوان اصلی روزنامه پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت بود. «اریکورلو» مفسر و گزارشگر معتبر لوموند، در گفتگو با امام خمینی، از ایشان پرسید که چه کسی را مسئول ترور سبیه قرضی و آیت الله مهابادی می داند. به گزارش لوموند، ایشان گفته اند که عمال آمریکا در چنین ترور های جنایتکارانه ای دست داشتند - و احتمال دخالت چکرایان را رد کردند.

این خبر و همین جمله در اخبار رادیو، ۷ بعد از ظهر چهارشنبه، پخش شد - اما در بخش های خبری بعدی نبود. اگر صحت این خبر را در صحنه امام تایید نکرده بود، چرا خبرنگاری پارس - رادیو - تلویزیون و وزارت اطلاعات آن را صریحاً تکذیب نکردند؟ چرا آیندگان را در جریان نگذاشتند؟ شخص گزارشگر «مترجم او» آقای ابوالحسن بنی صدر - و عین خبر خبرنگاری پارس (شماره ۹۲، ۲۱۹، ۵۸۲) حو حاضرند و می توانند شهادت بدهند که آیندگان جز انعکاس دقیق خبری که از سوی خبرنگاری پارس و خبرنگاری فرانسه به نقل از لوموند مخایره شده، کاری نکرده است. نادرستی هر خبری، معمولاً در همه جای جهان تکذیب اصل خبر را به دنبال می آورد، نه انتقال دهند. آن را - در این مورد - منتقاد باید بخوبی در نظر بگیرند. و نه آیندگان که فقط ناقل خبر بوده است.

خلاصه کنیم - با همه پشتیبانی های دلگرمکننده ای که نویسندگان و خوانندگان این روزنامه هرگز از ما دریغ نکرده اند و تاکنون سبب ادامه کار ما بوده است و نمی توانیم به آنها بی تفاوت بمانیم، در وضعی که پیش آمده، به اعتقاد نویسندگان و کارگران و کارکنان آیندگان - ادامه کار ممکن نیست. تا روشن شدن موضع دولت در برابر اصل آزادی مطبوعات و بیان (که از هدف های اصلی انقلاب ما بود) این روزنامه در شکل همیشگی منتشر نخواهد شد. حضور دیروز چندین افسار در برابر موسسه آیندگان در تهران را می توان نشانه ای بقت و حسن نظر دانست. اما مشکل کلی برسد نیست. شناخته شدن آزادی بیان و قلم را حل نمی کند. نویسندگان و همکاران آیندگان - مانند همکاران دیگری - به اوضاع کشور توجه و دلبستگی دارند و معتقدند که در شرایط آحادی برای انتخابات مجلس موسسان و تدوین و تصویب قانون اساسی بیش از هر زمان دیگری کشور به بحث و نقد و نظر نیازمند است. ما از سوء تفاهم هائی که بیرامون آیندگان پدیدار شده، عمیقاً متأسفیم و امیدواریم در آینده بسیار نزدیک انتشار روزنامه را از سر بگیریم تا بتوانیم انجام وظیفه ای را که در برابر ملت پذیرفته ایم، ادامه بدیم.